



آویزان کردن از سقف، دستبند قیانی، آویزان کردن صلیبی، شوک الکتریکی، آپولو، سوزاندن نقاط حساس بدن با فندک و شعله شمع، قفس هیتلر دار، صندلی هیتلر دار، باتوم برقی و از همه بالاتر شلاق با کابل برقی را می توان از متداول ترین شکنجه های جلادان و مأموران شکنجه گر کمیته مشترک ضد خرابکاری بر شمرد.

خاطراتی از شکنجه در آخردنیا

در چنین محیط رعب انگیزی، معترضان به بدترین شکل ممکن مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند. شکنجه ها تنها به شکنجه های جسمی محدود نمی شد؛ بلکه شکنجه های روحی را هم در بر می گرفت. عزت شاهی، از مبارزان معروف انقلاب در خاطراتش می نویسد: «گاهی که مرا به بازجویی می بردند، چون هیچ لباسی به تن نداشتم، مرا لخت و غور به روی زمین سردمی نشانددند و هر چه التماس می کردم که یک تکه کاغذ یا مقوایی بدهند تا بر روی آن بنشینم، فایده ای نداشت. گاهی صبح تا ظهر روی زمین سردمی نشستم و به راستی خیلی اذیت می شدم و سرما تا عمق وجودم نفوذ می کرد. به این هم بسنده نمی کردند. گاهی یکی از آن ها می آمد و پایم را باز می کرد تا همه جایم پیدا شود. بعد مسخره ام می کردند و می خندیدند. یکی می گفت: چریک چطور می دیگری می گفت: چروک چطور می؟ حسابی هتک حرمت می کردند و از هیچ اذیت و آزار و توهینی فروگذار نبودند. بدتر از یک حیوان رفتار می کردند. خیلی غیر انسانی! می خواستند به لحاظ شخصیتی خردم کنند. چون هنوز زمستان تمام نشده بود و من مجبور بودم بایک پتو در سلول سر می کنم. سعی داشتم که غذا نخورم و فقط با خوردن آب و برخی خورش ها و آب آشامیدنی سد جوع کنم تا نیاز به دستشویی پیدا نکنم.» [۴]

«مرضیه دباغ»، از بانوان مبارز و انقلابی، نیز در خاطراتش شکنجه های ساواک و رفتارهای غیر انسانی بازجوهارا به یاد می آورد و می گوید: «شکنجه ها با سیلی و توهین و به تدریج با شلاق و باتوم و فحاشی جان فرسا شروع شد. چند بار دست و پایم را به صندلی بستند و مهار کردند و کلاهی آهنی یا مسی بر سرم گذاشته و بعد جریان الکتریسیته با ولتاژهای متفاوت به

و نخستین زندان مدرن ایران محسوب می شد) واقع در میدان مشق (شمال غرب میدان توپخانه) منتقل شد.

ساختار تشکیلاتی کمیته ضد خرابکاری

نمودار تشکیلاتی کمیته مشترک، شامل سه واحد اطلاعاتی، اجرایی و پشتیبانی با ۳۷۵ پست سازمانی دائم و ۱۸۸ پست موقت بود. کمیته، محل استقرار مجرب ترین و خشن ترین شکنجه گران رژیم شاه بود. شکنجه مخالفان و مبارزان سیاسی، که در تمام دهه ۴۰ ادامه داشت، پس از تشکیل «کمیته مشترک ضد خرابکاری» به اوج رسید. اسناد و مدارک بی شمار و خاطرات مبارزان و مخالفان سیاسی و آثار و مدارک بر جای مانده در بازداشتگاه ها و زندان ها، به ویژه پس از تشکیل «کمیته مشترک ضد خرابکاری»، حاکی از رواج شکنجه های مرگباری است که از سوی ساواک اعمال می شد. ظاهر آبخش عمده ابزارها و ادوات این کمیته برای شکنجه زندانیان توسط موسسات تأمین شده بود.

ساختمان زندان و شکنجه گاه ها

بازداشتگاه کمیته مشترک ضد خرابکاری، دارای چهار بند انفرادی با ۸۶ سلول ۵/۵×۲/۵ متر و دو بند عمومی با ۱۸ سلول بزرگ دوپست نفری، محل اعمال شدیدترین شکنجه ها بود. سلول ها و اتاق های هر بند در راهرویی بود که در طول، از هم جدا شده بودند تا زندانیان نتوانند سلول های روبه روبرو ببینند. در سه طبقه ساختمان مدور بازداشتگاه، اتاق های مخصوص بازجویان و شکنجه گران تعبیه شده بود. اتاق تمشیت یا اتاق «حسینی»، یکی از این اتاق ها بود که در آن زندانی تا سر حد مرگ شکنجه می شد تا اعتراف و اقرار کند. محوطه دوار بازداشتگاه با نرده هایی محصور شده بود تا متهم نتواند خود را از طبقات بالا به پایین بیندازد و خودکشی کند. زندانیان در بازداشتگاه به لحاظ استفاده از سرویس های بهداشتی و حمام در مضیقه بودند. زخم ها و جراحت های ناشی از شکنجه ها و ضربات شلاق، در تنها بهداری زندان، به طرز نامطلوبی پانسمان می شد و پزشکیار کم سواد این بهداری برای کاهش دردهای زندانیان فقط به تجویز چند مسکن (نوالژین) و آسپرین اکتفا می کرد. [۳]

۱۳۵۰، به دستور شاه، در محل زندان موقت اطلاعات شهر بانی تشکیل شد. هدف از تشکیل این کمیته، ایجاد هماهنگی میان عملکرد نهادهای امنیتی رژیم بود. تا پیش از این، شهر بانی، ساواک، ضد اطلاعات ارتش و سایر مراکز اطلاعاتی رژیم، هر کدام به تنهایی اهداف اطلاعاتی و امنیتی مورد نظر خود را دنبال می کردند. این اقدامات جداگانه، در بسیاری از موارد، سبب ایجاد ناهماهنگی و حتی اصطکاک میان سازمان های مذکور می شد. هر کدام از این سازمان ها پیروزی در یک عملیات را منحصرأ به حساب خود می گذاشت یا شکست در عملیات را نتیجه دخالت سازمان رقیب اعلام می کرد. در همان حال گسترش اعتراضات مردمی علیه رژیم و وحشت شاه از این مسئله، باعث شد در آبان ماه سال ۱۳۴۹، کمیته ای برای بررسی اعتراضات دانشگاه ها، در اداره سوم ساواک به وجود آید. در پی تشکیل این کمیته، در سال ۱۳۵۰ ه. ش، یک کمیته ضد خرابکاری هم به سرپرستی «منوچهر هوشنگ از غندی» (معروف به دکتر منوچهری) در زندان اوین و کمیته دیگری با همین منظور در شهر بانی، زیر نظر رئیس شهر بانی و به سرپرستی حسن ختائی و کارمندان اداره اطلاعات شهر بانی به وجود آمد. با این حال شاه معتقد بود که این کمیته ها قادر نیستند مسئولیت بازجویی و کشف فعالیت های معترضان را به خوبی ایفا کنند. به همین دلیل، «کمیته مشترک ضد خرابکاری» ایجاد شد. پس از تأسیس این کمیته، تمامی سازمان ها و کمیته های فعال در زمینه درگیری با معترضان، منحل و کارمندان آن ها، مأمور به خدمت در مرکز جدید شدند. اداره کل سوم ساواک مسئولیت مدیریت کمیته جدید را بر عهده گرفت و بایوپستن بازجویان و شکنجه گران سایر نهادهای امنیتی شاه، «کمیته مشترک ضد خرابکاری» به آخرین ادوات شکنجه و شیوه های بازجویی، مجهز شد.

استقرار کمیته در مستدیر

کمیته مشترک ضد خرابکاری فعالیت خود را در اداره اطلاعات شهر بانی، مستقر در ساختمان زندان موقت شهر بانی، واقع در مرکز شهر تهران (باغ ملی) شروع کرد؛ اما مدتی بعد به ساختمان مستدیر (که توسط آلمان ها در سال ۱۳۱۶ ه. ش ساخته شده

عزت شاهی در بازداشتگاه ساواک

بازجویان ساواک از هیچ اذیت و آزار و توهینی فروگذار نبودند. بدتر از یک حیوان رفتار می کردند. خیلی غیر انسانی! می خواستند به لحاظ شخصیتی خردم کنند

